

**THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies**

**Volume 14, Consecutive Number 31, Spring 2023**

**Issn:2717-090x**

**Journal Homepage:** <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



## **The Qualitative Assessment of Arabic translation of Seirolebad Elalmaad based on Antoine Berman's theory**

**Ali Mohammad Moazeni<sup>1</sup>/ Ali Ansarshahri<sup>2</sup>/Ali Afzali<sup>3\*</sup>/Masood Fekri<sup>4</sup>**

1: Professor of Persian Language and Literature, University of Tehran

2: PhD Student of Arabic Language and Literature, University of Tehran

3: Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran: Corresponding Author ([Ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:Ali.afzali@ut.ac.ir))

4: Associate Professor of Arabic Language and Literature, University of Tehran

The translation of Molana's books as a one of the greatest literary works of Persian literature is considerable with the modern theories of translation's skills, structurally and contently. Antoine Berman with his theory "Endances eformantes" (deconstruction tendencies), emphasized on the importance of the others and underscored the main text and he believed that the translators must be respect the first text and be faithful toward it. In this paper, by using Process-oriented descriptive translation studies, we examine the Arabic translation of Seirolebad Elalmaad by Yusef Abdulfattah using the eight parameters of Berman's theory: Rationalization, Clarification, Ennoblement, Glorification, and the Destruction of underlying Networks of Signification, Quantitative and Qualitative impoverishment. The conclusion shows that the main reasons of deviation in Arabic translation from Seirolebad Elalmaad belongs to: translator's lack of acquaintance to Persian language, the grammatical and lexical differences between Arabic and Persian and naturally it is resulting from the unconformity of culture, civilization, and tradition of these two nations.

**Key words:** Seirolebad Elalmaad, Yusef Abdulfattah, Antoine Berman, Endances eformante.

- Moazzeni, A., Ansarshahri, A., Afzali, A., Fekri, M. (2023) The Qualitative Assessment of Arabic translation of Seirolebad Elalmaad based on Antoine Berman's theory, *Journal of Linguistic and Rhetorical Studies of Semnan University*, 13(30), 321-348.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.28980.2199](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.28980.2199)



دانشگاه تهران

مجله علمی  
مطالعات باہلی و بلاغی

مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴- شماره ۳۱- بهار ۱۴۰۲

صفحات ۳۲۱-۳۴۸ (علمی- پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۱/۰۸/۲۲- بازنگری ۱۴۰۱/۰۹/۳۰- پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۰۴

## ارزیابی کیفی ترجمه عربی سیر العباد الی المعاد سنائی غزنوی بر اساس نظریه آنتوان برمن

علی محمد مؤذنی ۱ / علی انصار شهری ۲ / علی افضلی \* ۳ / مسعود فکری ۴

۱: استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران

۲: دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

۳: دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

[Ali.afzali@ut.ac.ir](mailto:Ali.afzali@ut.ac.ir)

۴: دانشیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران

**چکیده:** رابطه میان سرودن شعر و ترجمه شعر، رابطه تفکر و تأمل است. هر مترجم شعر در درجه اول، یک تأویلگر متن است و تأویل‌های خود را بازنویسی و بازسازی می‌کند. نزدیک کردن خوانش‌های مترجم به متن اصلی، مستلزم شناخت جهان و زبان شاعر است. البته این به معنای ارائه معنای بسته نیست؛ بلکه پی‌بردن به آن معنای غایی متن است که گستره تأویل‌های بی‌پایان را در خود نهفته دارد؛ یعنی حسّ ناب متن. آنتوان برمن در نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه خود، با هدف برجسته‌سازی اهمیت دیگری و فرهنگ بیگانه در ترجمه و احترام به غرابت و بیگانگی متن اصلی، بر این اعتقاد است که مترجم باید از جهت شکل و محتوا، مقید به متن مبدأ و وفادار به آن باشد. در این جستار، با روش توصیفی-تحلیلی و از منظر مطالعات توصیفی فرایندمدار ترجمه، ترجمه عربی یوسف عبدالفتاح از کتاب سیر العباد الی المعاد بر اساس هشت مورد از مؤلفه‌های تحریف متن از دیدگاه برمن بررسی می‌شود که عبارت‌اند از: عقلایی‌سازی، واضح‌سازی، اطناب کلام، آراسته‌سازی، تخریب سیستم زبانی، تخریب اصطلاحات و عبارات، غنازدایی کیفی و غنازدایی کمی. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد علت اصلی انحراف ترجمه عربی سیر العباد الی المعاد از متن اصلی، ناآشنایی مترجم با زبان فارسی، تمایزات مربوط به ساختار دستوری و همچنین تطابق‌نداشتن کامل دامنه اطلاق واژه‌ها در دو زبان عربی و فارسی است که طبیعتاً ناشی از اختلاف فرهنگ، تمدن، عادات و رسوم دو قومی است که به این دو زبان سخن می‌گویند.

**کلیدواژه:** سیر العباد الی المعاد، یوسف عبدالفتاح، آنتوان برمن، نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه.

- مؤذنی، علی محمد؛ انصار شهری، علی؛ افضلی، علی؛ فکری، مسعود (۱۴۰۲) ارزیابی کیفی ترجمه عربی سیر العباد الی المعاد سنائی غزنوی بر اساس نظریه آنتوان برمن. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۱، صفحات ۳۲۱-۳۴۸.

Doi: [10.22075/jlrs.2022.28980.2199](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.28980.2199)

## ۱. مقدمه

### ۱-۱. بیان مسئله

شعر، شاخص‌ترین نوع ادبی است و در عصر ارتباطات، به‌عنوان نوعی رابطه ادبی - فرهنگی به شمار می‌آید که مردم جهان را با یکدیگر پیوند می‌دهد. مترجم، نقش بسیار مهمی در پیوند میان فرهنگ جوامع ایفا می‌کند؛ چراکه با ارائه یک ترجمه ادبی خوب و صحیح، فرهنگ و سنن زبان مبدأ را با کلامی شیوا و سلیس و روان به زبان مقصد منتقل می‌کند. مترجم آنگاه می‌تواند کار تحویل شعر را به فرهنگ و زبان مقصد، تمام‌شده بداند که این هر دو جنبه را منتقل کرده باشد. ترجمه، پیمودن راهی است که از واگرایی زبان‌ها به سبب تمایز نهادی آن‌ها، به هم‌گرایی زبان‌ها می‌رسد (رک: صلح‌جو، ۱۳۹۱: ۴۷؛ صفوی، ۱۳۷۱: ۱۶).

اگرچه برخی از نظریه‌پردازان معتقدند ترجمه شعر به شعر ممکن است دارای زیبایی‌های کلام باشد، برگردان درستی از آن شعر نخواهد بود؛ زیرا در زبان‌های مختلف، ترتیب به کار بردن آواها و واژگان با یکدیگر اختلاف دارند؛ در نتیجه، اگر مترجم برای ترجمه شعر، دارای استعداد شعری و ادبی نباشد یا اطلاعات و آگاهی لازم در خصوص فرهنگ و آداب و سنن یکی از دو زبان مبدأ و مقصد را نداشته باشد، منجر به از بین رفتن روح شعر و مضامین آن می‌شود و شعری که در یک زبان و فرهنگ، بسیار ارزشمند به شمار می‌آید، پس از ترجمه، به شعری سست و فرومایه و حتی نامفهوم در زبان مقصد تبدیل می‌شود و شناخت نادرستی از ارزش‌های هنری یک فرهنگ به خوانندگان خود ارائه می‌دهد. به‌رغم وجود نظریه‌پردازانی چون کانولی که ترجمه شعر را ارزشمندترین قالب ترجمه می‌دانند، نظریه‌های کلاسیک، «شعر را همواره هنری دانسته‌اند که به ترجمه در نمی‌آید» (ملکی، ۱۳۸۰: ۲۶).

باید توجه داشته باشیم که شعر دارای خاستگاه و بستر زبانی ویژه و منحصر به فرد است؛ چراکه در شعر، بیان انواع احساسات شاعر با کلمات و وزن شعر عجین شده است. جاحظ (۱۶۳-۲۵۵ق) درباره ترجمه شعر می‌گوید: «شعر را نمی‌توان ترجمه کرد. هرگاه ترجمه شود، پیوند آن می‌گسلد و وزنش در هم می‌ریزد و زیبایی‌اش از بین می‌رود و

خاستگاه شگفتی آن تباه می‌گردد» (جاحظ، ۱۹۷۹: ۲۱). پیوند در نظر جاحظ، همان حکمتی است که آن را مختصّ شعر عربی می‌داند. در دیدگاه جاحظ، آنچه در شعر ترجمه‌پذیر نیست، وزن شعر عربی است که ترجمه، قادر به انتقال شایسته اوزان منحصر به زبان مبدأ به زبان مقصد نیست. از نظر جاحظ، وزن شعر، معجزه‌ای است که تأثیرش در ترجمه باطل می‌شود. کانولی در این زمینه معتقد است: «نویسنده احساسات خود همچون ترحم، خشم، شادی، اندوه، بی‌تفاوتی و... را در لحن و تأکیدات و در انتخاب کلمات نشان می‌دهد. اگر مترجم هنگام ترجمه متن، این احساسات را درنیابد و به ترجمه لفظی و فاقد وزن کلام بسنده کند، متن را قلب می‌کند، هرچند که به گمان خود، با این کار به متن وفادار مانده است» (کانولی، ۱۹۹۹: ۱۱۴).

ترجمه شعر در قالب شعر عملاً غیرممکن است و اگر هم ممکن و دارای زیبایی کلام باشد، برگردان درستی از آن شعر نخواهد بود؛ زیرا در زبان‌های مختلف، ترتیب به کار بردن آواها و واژگان با یکدیگر اختلاف دارد. اگرچه زبان فارسی و زبان عربی شباهت‌هایی با یکدیگر دارند، به گونه‌ای که آمیختگی واژگان عربی و فارسی در اشعار زبان فارسی و عربی بسیار دیده می‌شود، ترجمه شعر فارسی به عربی عیناً و دقیقاً مطابق با آن نخواهد بود و ترجمه آن، یک برگردان تقریبی است. جرج هنری لوئیس<sup>۱</sup> (۱۸۱۷-۱۸۷۸) در این باره می‌گوید: «بهترین ترجمه‌ها تقریبی هستند و اغلب هم نتایج خوبی نمی‌دهند. ترجمه ممکن است شعری خوب باشد و یا ممکن است تقلیدی خوب از شعری دیگر باشد. حتی ممکن است ترجمه از متن اصلی هم بهتر باشد؛ ولی هیچ‌گاه برگردان کامل نخواهد بود و یا به عبارت دیگر، هیچ‌وقت همان چیزی نخواهد بود که در اصل بوده و همان تأثیر را در ذهن خواننده نخواهد گذاشت» (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۸)؛ بنابراین هر زبان، خاستگاه فرهنگی خاص خود را دارد و معنای واژگان، دارای ریشه‌های عمیقی در فرهنگ و زبان هر جامعه‌ای است. ددیکوس<sup>۲</sup> به نقل از ولادیمیر اوگنوف در

1. George Henry Lewes  
2. Dedecius

کتاب خود درباره شعر معاصر، ارزش ترجمه را بیش از هر چیز دیگر، با این معیار می‌سنجد که «آیا ترجمه، بخشی از ادبیات بومی شده است یا نه؟» (ددیکیوس، ۱۳۷۱: ۳۸)؛ یعنی ترجمه برای انتقال حداکثر شعر، باید تا حد امکان، رنگ و بوی متن اصلی را داشته باشد.

## ۲-۱. آنتوان برمن و نظریه او درباره نقد ترجمه

آنتوان برمن<sup>۱</sup> (۱۹۴۲-۱۹۹۱) مترجم، نظریه پرداز، فیلسوف و تاریخ‌نگار علم ترجمه است. وی متأثر از فلسفه رمانتیک آلمانی‌ها و کسانی چون والتر بنیامین<sup>۲</sup> و هانری مشونیک<sup>۳</sup>، گونه دیگری از نقد ترجمه را پیش می‌کشد. نقد ترجمه آن گونه که برمن ارائه می‌دهد، حاصل خوانش و تفکر بوده و بسیار به نقد ادبی نزدیک است. محور دیدگاه ترجمه‌شناختی برمن، احترام به متن بیگانه و دیگری است و از این جهت، با ارائه نظریه «گرایش‌های ریخت‌شکنانه»<sup>۴</sup>، دیدگاه‌های قوم‌گرایانه و معطوف به زبان مقصد در کار ترجمه را مورد انتقاد و سنجش قرار می‌دهد. وی هر گونه تغییر در سبک نویسنده، ساختار زبان، اطناب کلام و حتی تغییر در نقطه‌گذاری و پاراگراف‌بندی را از عوامل تحریف متن برمی‌شمارد.

این سیستم از سیزده مؤلفه تشکیل می‌شود که عبارت‌اند از: عقلایی‌سازی، شفاف‌سازی، اطناب کلام، غنایی‌زدایی کیفی، غنایی‌زدایی کمی، تفاخر‌گرایی، همگون‌سازی متن، تخریب ضرب‌آهنگ، تخریب شبکه‌های معنایی مستتر در متن، تخریب یا بومی‌سازی شبکه‌های زبانی زبان‌های محلی، تخریب سیستم زبانی و تخریب اصطلاحات (رک: احمدی، ۱۳۹۲: ۱). آنتوان برمن با مطرح کردن مبحث اخلاق در ترجمه، به تعریف هدف از ترجمه می‌پردازد. به باور او، ترجمه، نوشتن و منتقل کردن است؛ اما این نگارش و انتقال، تنها در سایه هدف اخلاقی حاکم بر ترجمه که همانا قول دیگری به‌عنوان دیگری است، معنا می‌یابد. البته نظریه پردازان دیگری هم وجود دارند

1. Antoine Berman
2. Walter Benjamin
3. Henri Meschonnic
4. Endances déformantes

که مفهوم امانت‌داری<sup>۱</sup> را عنصر اساسی یک ترجمه جدی می‌دانند (رک: الشیخ، ۲۰۱۰: ۱۴۵؛ پیم، ۱۳۹۳: ۶؛ هازو<sup>۲</sup>، ۱۳۹۳: ۹۹؛ أمطوش، ۲۰۱۴: ۲۳۴).

### ۱-۳. روش پژوهش و پرسش‌های آن

این پژوهش، ترجمه عربی کتاب *سیر العباد الی المعاد*<sup>۴</sup> سنائی غزنوی را از منظر مطالعات توصیفی فرایندمدار ترجمه<sup>۵</sup> بررسی می‌کند. این شیوه به فرایند ترجمه یا خود عمل ترجمه می‌پردازد (هولمز<sup>۶</sup> و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳). این مسئله که وقتی مترجم، متن جدید و کم‌وبیش مشابهی در زبانی دیگر خلق می‌کند، در جعبه سیاه کوچک ذهن او چه اتفاقی می‌افتد، موضوع گمانه‌زنی‌های بسیار نظریه‌پردازان ترجمه، از جمله آنتوان برمن بوده است.

نگارندگان، ترجمه عربی را از منظر هشت نمونه از مؤلفه‌های نظریه آنتوان برمن (عقلایی‌سازی، واضح‌سازی، اطناب‌سازی، آراسته‌سازی، تخریب سیستم زبانی، تخریب اصطلاحات و عبارات، غنازدایی کیفی و غنازدایی کمی) که هم اهمیت بیشتر و هم قابلیت انطباق بهتر بر این ترجمه دارند، بررسی می‌کنند و سعی دارند با پرهیز از تکرار مکررات در خصوص زندگی یا ادبیات سنائی غزنوی و با بهره‌گرفتن از مهم‌ترین شرح *سیر العباد الی المعاد* که متصف به دقت والای علمی است، به استقرای تام و بررسی کامل ترجمه عربی آن بپردازند تا بتوانند از این رهگذر، برای دو سؤال مهم زیر، پاسخی درخور بیابند:

1. Fidelity
2. Anthony Pym
3. Samuel Hazo

۴. این کتاب با عنوان *مثنویات سنائی غزنوی* در ۲۰۸ صفحه، دویست و دهمین کتاب منتشرشدهٔ مشروع القومی للترجمه است که در مصر، بهترین آثار ادبی و علمی جهان را به عربی ترجمه کرده است. در این کتاب، هفت مثنوی *عقل‌نامه* (۲۴۲ بیت)، *عشق‌نامه* (۵۷۹ بیت)، *سنایی‌آباد* (۵۴۷ بیت)، *تحریرالقلم* (۶۳ بیت)، *طریق‌التحقیق* (۸۸۳ بیت)، *کارنامه بلخ* (۴۹۲ بیت) و *سیر العباد الی المعاد* (۷۹۸ بیت) به عربی ترجمه شده‌اند.

5. Process- oriented descriptive translation studies
6. James Holmes

۱. یوسف عبدالفتاح در برگردان عمق احساس و ادراک ظریف تنیده شده در تار و پود شعر سنائی غزنوی به زبان عربی، تا چه اندازه به متن اصلی وفادار بوده است؟
۲. مؤلفه‌های نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن تا چه اندازه در ارزیابی کیفی ترجمه عربی یوسف عبدالفتاح مؤثر است؟

#### ۴-۱. پیشینه پژوهش

مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته را می‌توان به چهار دسته تقسیم‌بندی کرد: دسته اول شامل پژوهش‌هایی است که به سنائی غزنوی پرداخته‌اند و بسیار فراوان‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به مقالات هادی و همکاران (۱۳۹۸) و نیکخواه نوری و همکاران (۱۴۰۰) اشاره کرد.

دسته دوم به نقد و بررسی ترجمه‌های عربی آثار فاخر ادب پارسی پرداخته‌اند که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مقالات افضلی (۱۳۹۴)، سیدان (۱۳۸۸)، حسینی (۱۳۸۵)، موسوی (۱۳۸۱) و مسگرنژاد (۱۳۷۵) اشاره کرد. غالب این پژوهش‌ها به شیوه سنتی و بدون بهره‌گیری از نظریه خاصی در ارزیابی کیفی ترجمه، به نقد آن اقدام کرده‌اند.

دسته سوم شامل پژوهش‌هایی است که به معرفی بنیان‌های تئوریک نظریه آنتوان برمن پرداخته‌اند؛ مانند مقالات احمدی (۱۳۹۲)، زنده‌بودی (۱۳۹۰) و مهدی‌پور (۱۳۸۹). این مقالات، ترجمه نظریه آنتوان برمن از زبان فرانسه یا شرح و ترجمه آن بوده و به دلیل دقیق بودن، منبع اول و اختصاصی پژوهش‌های فارسی هستند که مبنای کارشان نظریه برمن است.

دسته چهارم شامل تحقیقاتی است که به تطبیق این نظریه بر ترجمه برخی آثار ادبی اقدام کرده‌اند. مقالات افضلی (۱۳۹۶ و ۱۳۹۵) درباره تعریف مخزن‌الاسرار نظامی توسط عبدالعزیز بقوش و تعریف گلستان سعدی توسط جبرائیل المخلع، دلشاد و همکاران (۱۳۹۴) درباره ترجمه فارسی شهیدی از نهج البلاغه، صمیمی (۱۳۹۱) درباره ترجمه فارسی داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید و کریمیان (۱۳۹۰) در خصوص ترجمه‌های قاسم روبین از آثار مارگریت دوراس<sup>۱</sup>، از این جمله است.

با وجود این، تحقیقات و جست‌وجوهای بسیار طولانی نگارندگان در منابع کتابخانه‌ای، الکترونیکی و اینترنتی نشان داد درباره ترجمه عربی یوسف عبدالفتاح از آثار سنائی غزنوی، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به زبان‌های عربی و فارسی، خواه در حوزه معرفی و بررسی خود اثر و خواه درباره نقد ترجمه آن، انجام نگرفته است.

## ۲. نقد و بررسی

### ۲-۱. عقلایی سازی

عقلایی سازی به ایجاد تغییر در ساختار نحوی و شیوه علامت گذاری متن مبدأ مربوط می‌شود. در این صورت، مترجم با توجه به نظم گفتمان مقصد، جملات و زنجیره جملات را بازتولید و مرتب می‌کند و به نظم درمی‌آورد. برمن معتقد است نشر، از قبیل رمان، رساله و... به دلیل برخورداری از ویژگی‌های تکرار، تعدد جملات، جمله‌های موصولی و معترضه و جملات بلند و جملات بدون فعل، دارای ساختاری شاخه‌شاخه است و مترجم با عقلایی سازی، این ساختار شاخه‌شاخه را به ساختاری خطی تبدیل می‌کند؛ به عنوان مثال، مترجم برای جملاتی که در متن مبدأ بدون فعل هستند، فعل می‌آورد، جملات بلند را کوتاه می‌کند و به اصطلاح، جملات را می‌شکند یا جملات معترضه را جابه‌جا یا اضافه و کم می‌کند. در حقیقت، برمن فرایند عقلایی سازی را تحریفی در متن اصلی به شمار می‌آورد و آن را رد می‌کند.

نمونه اول:

• بیت فارسی:

ای به هنگام خوبی و زشتی سائق ابر و قائد کشتی (سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۰)

• ترجمه بیت:

یا من یملک قوۀ قادرۀ علی الخیر و الشرّ، تسوق السحاب و تُسیر السفن (عبدالفتاح،

۲۰۰۰: ۱۵۰).

اشکال:



شاهد عقلایی‌سازی هستیم که در آوردن افعال «تسوق» و «تُسیر» نمایان می‌شود؛ بنابراین باید دو کلمه «سائق» و «قائد» همچنان به صورت اسم ترجمه شوند؛ یعنی به جای تسوق و تُسیر، دو کلمه «سائق» و «مُسیر» به کار رود.

پیشنهاد رفع اشکال:

يا من وقت الخیرِ و الشرِّ، سائقُ السحابِ و مُسیرُ السُّقُنِ.

نمونه دوم:

• بیت فارسی:

عاملانش سه نار و نور و ظلم      بارگیرش دو اشهب و ادهم

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۱)

• ترجمه بیت:

لها ثلاثة عوالم، عالم النار، عالم النور، عالم الظلمة، يحملها عاملان هما الليل والنهار (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۵).

اشکال:

طبق نظریه آنتوان برمن، تغییر در ترجمه اسم به فعل، بر عقلایی‌سازی دلالت دارد. در اینجا مترجم در مصرع دوم، «بارگیرش» را به صورت فعل «يحمل» ترجمه کرده است که بر عقلایی‌سازی دلالت می‌کند؛ بنابراین، «بارگیرش» باید همچنان به صورت معادل آن در عربی که «حامل» است، ترجمه شود.

پیشنهاد رفع اشکال:

لها ثلاثة عاملون عامل النار و عامل النور و عامل الظلمة، حاملها الليل والنهار.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

دیده حالین چو بگشادم      چون ستوران بخوردن افتادم

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۲)

• ترجمه بیت:

و عندما فتحتُ عینی فی الواقع، فلم أرَ نفسی إلا آکلة و شاربة مثل البهائم (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۵ و ۱۵۶).

اشکال:

طبق نظریه آنتوان برمن، تغییر در ترجمه فعل به اسم، از مصادیق عقلایی سازی است که در مصرع دوم، مترجم، فعل «به خوردن افتادم» را به صورت دو اسم «آکله» و «شاربه» ترجمه کرده که مصداق عقلایی سازی است؛ بنابراین، فعل همچنان باید به صورت فعل ترجمه شود.

پیشنهاد رفع اشکال:

و عندما فتحتُ عینی علی الواقع، بدأتُ آکلُ و أشربُ مثل البهائم.

نمونه چهارم:

● بیت فارسی:

مژده مژده کز این چنین تحویل رستی از زخم تیغ عزرائیل

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۸۹)

● ترجمه بیت:

أبشر أبشر فبهذا التحویلِ قد تحرّرتَ من انحناءِ سیفِ عزرائیل (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۷۱).

اشکال:

در مصرع اول، «مژده» را که اسم است، به صورت فعل امر «أبشر» ترجمه کرده است. این تغییر، بر عقلایی سازی دلالت می کند، اگرچه امکان آوردن اسم، یعنی مصدر «بشاره» نیز وجود دارد؛ بنابراین، از معادل کلمه «مژده» در عربی که «بشاره» است، می توان استفاده کرد.

پیشنهاد رفع اشکال:

بشاره بشاره، فبهذا التحویلِ، قد تحرّرتَ من إصابةِ سیفِ عزرائیل.

۲-۲. شفاف سازی

شفاف سازی، به نوعی به فرایند عقلایی سازی مربوط می شود؛ با این تفاوت که عقلایی سازی در سطح ساختار نحوی جملات صورت می گیرد؛ اما شفاف سازی مربوط به روشنگری در سطح معنایی است. طبق این نظر، مطلبی که در متن اصلی به صورت تعریف نشده و مبهم مطرح می شود، در متن مقصد به شکل تعریف شده و شفاف درمی آید؛ یعنی مترجم با افزودن کلمه یا کلماتی به متن، دست به روشن ساختن متن می زند. شایان ذکر است که برمن، خود بر وابستگی عمل ترجمه به شفاف سازی صحه می گذارد؛ اما مخالف وی از طرفی، به فروکاستن چند معنایی به تک معنایی و شرح و توضیح مواردی مربوط می شود که در متن اصلی نباید روشن باشد و از طرف دیگر، به حشو و افزودن واحدهای معنایی که به اطناب کلام (مورد بعدی تحریف از نظر وی) منجر می شود.

نمونه اول:

• بیت فارسی:

تا بدانی که هر چه رام نه اند

همه جز چون تو باد نام نه اند

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۴)

• ترجمه بیت:

و اعلم أن كل من ليس لديه استعداد لمعرفة هذه الرموز، فهو كالرياح لا وزن له ولا وقار (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۱).

اشکال:

در این بیت، شفاف سازی مشاهده می شود و مترجم اقدام به ترجمه مفهوم بیت کرده است؛ یعنی مترجم به جای ترجمه بیت، به روشنگری مفهوم بیت پرداخته است که طبق نظریه آنتوان برمن، هرگونه روشنگری که با تغییر در معنی یا افزودن کلمه یا کلماتی صورت گیرد، نشانه شفاف سازی است که پذیرفتنی نیست.

پیشنهاد رفع اشکال:

و اعلم أن كل من ليس لديه استعداد للمعرفة فلا جدوى منه.

نمونه دوم:

• بیت فارسی:

پس مرا از برای هر گون برّخ  
کرد نه ماه جلوه بر نه چرخ  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۷)

• ترجمه بیت:

و من أجل الكمال في هذا الجسم، عرضتني على تسعة أفلاك في تسعة أشهر  
(عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۳).

اشکال:

کلمه «برخ» به معنی «بهره» و «نصیب» است که آن را به صورت «الکمال فی هذا الجسم» ترجمه کرده است. مترجم به جای ترجمه خود کلمه، با ذکر کلماتی دیگر، توضیح بیشتری برای روشنگری در معنی ارائه کرده است که بر شفاف سازی دلالت دارد.

پیشنهاد رفع اشکال:

و من أجل أي نصيب عرضتني على تسعة أفلاك في تسعة أشهر.  
نمونه سوم:

• بیت فارسی:

او همی بافد از برای شما  
در سرای فنا قبای بقا

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۷)

• ترجمه بیت:

یرسل الخیرات من عالم البقاء، حتی يجعلکم من أهل البقاء (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۸).  
اشکال:

مترجم به جای ترجمه بیت، مفهوم آن را ترجمه کرده است که بر اساس نظریه آنتوان برمن، این تغییر با هدف روشنگری در معنی، مصداق شفاف سازی است.

پیشنهاد رفع اشکال:

إنه ينسج لكم في دارِ الفناء جبةَ البقاء.

نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

همه پر باد همچو نای اتبان هر یکی با سه گردن و دو دهان

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۶۹)

• ترجمه بیت:

لم یکن لیدیها سوی صفة الطمع، التي تحرك لها أعناقها و أفواهاها (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۶۲).

اشکال:

مترجم به جای ترجمه بیت، مفهوم آن را ترجمه کرده که بیانگر مؤلفه شفاف سازی است.

پیشنهاد رفع اشکال:

كلهم منفوخون مثل نای أتابان، لكل منها ثلاثة رقاب وفمان اثنان.

## ۲-۳. اطناب کلام

برمن نیز همانند تمام مترجمان و نظریه پردازان، بر این نکته واقف است که هر ترجمه‌ای، از متن اصلی اش طولانی تر است. او این اطناب کلام را حاصل دو فرایند عقلایی سازی و شفاف سازی می‌داند. وی همچنین معتقد است مترجم ایده فشرده متن مبدأ را باز می‌کند. او این کار را تهی شدگی می‌نامد که تأثیری در غنابخشیدن به جان کلام ندارد؛ از این رو، بر آن جمله معروف خود (افزوده هیچ نمی‌افزاید) تأکید می‌کند و افزوده را صرفاً بی‌ثمر و در جهت انباشته کردن حجم متن می‌داند. به اعتقاد برمن، اطناب کلام، پایه زبان شناختی ندارد و گرایش جدایی‌ناپذیر از ترجمه شده است.

نمونه اول:

• بیت فارسی:

قلم جنبش و وقوف تویی تخته اول حروف تویی

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۱)

• ترجمه بیت:

أنتَ الَّذِي تَحَدَّدُ الْحَرَكَةَ وَالسَّكُونَ (الوقوف) وَأَنْتَ لَوْحُ الْأَصْوَاتِ الْأَوَّلِ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۰).

اشکال:

در مصرع اول، فعل «تحدّد» را افزوده است که موجب تراکم و انباشته شدن حجم متن می شود، بدون اینکه نیازی به ذکر آن باشد و با نبود آن نیز معنی ناقص نخواهد بود؛ بنابراین، وجود آن، نشان دهنده اطناب کلام است.

پیشنهاد رفع اشکال:

أَنْتَ قَلَمُ الْحَرَكَةِ وَالسَّكُونِ، وَأَنْتَ لَوْحُ الْحُرُوفِ الْأَوَّلِ.

نمونه دوم:

• بیت فارسی:

یافتم بر کران روم و حبش شهری اندر میان آتش خوش

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۸)

• ترجمه بیت:

وجدتُ بينَ الرومِ والأحباشِ، مَدِينَةً طَيِّبَةً سَعِيدَةً وَسَطَ النِّيرَانِ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰:

۱۵۳).

اشکال:

معادل عربی کلمه «خوش»، «طیبه» است؛ بنابراین، آوردن کلمه «سعیده» ضرورتی نداشت و وجود آن منجر به انباشته شدن متن شده و این افزودن، نشان دهنده اطناب کلام است.

پیشنهاد رفع اشکال:

وجدتُ بينَ الرومِ والأحباشِ، مَدِينَةً طَيِّبَةً وَسَطَ النِّيرَانِ.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

زرد چهره خزان ز اسرافست  
سبز جامه بهار از انصافست  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۰)

• ترجمه بیت:

فبهجة الربيع وخضرته من العدل و الإنصاف، و صفرة الخريف و قبحة من عدم  
الإعتدال (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۵).

اشکال:

آوردن «بهجه» بر اطناب کلام دلالت دارد؛ همچنان که بیان «العدل»، مصداق اطناب کلام است. بیان «قبحه» نیز بر اطناب کلام دلالت دارد. افزودن هر سه کلمه ضرورت نداشت و موجب طولانی شدن متن ترجمه شده است.

پیشنهاد رفع اشکال:

صفرة وجه الخريف من الإسراف، خضرة حلّة الربيع من الإنصاف.  
نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

زان چراگاه و راه برگشتم  
عاشق راه و راهبر گشتم  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۴)

• ترجمه بیت:

فأعرضتُ عن مراعى الوحوش و البهائم، و أصبحتُ عاشقا للمرشد و الطريق  
(عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۷).

اشکال:

آوردن کلمه‌های «الوحوش» و «البهائم» که ضرورتی نداشت و موجب انباشته شدن متن شده، مصداق اطناب کلام است.

پیشنهاد رفع اشکال:

رجعتُ من ذلك المرعى و الطريق و أصبحتُ عاشقا للمرشد و الطريق.

۲-۴. غنازدایی کیفی

بنا بر عقیده برمن، این نوع تحریف، جایگزین کردن کلمات و اصطلاحات با کلمات و اصطلاحاتی است که از لحاظ غنای معنایی و آوایی و طنین کلمات، در سطح واژه مبدأ نیستند. تحریفی که برمن از آن سخن می‌گوید، شاید یکی از سخت‌ترین مسائل موجود در کار ترجمه و یکی از دشوارترین وظایف هر مترجمی باشد. هر زبانی با توجه به ساختار و کلمات و آواهای موجود در آن، دارای برخی کلمات و بازی‌های کلامی است که بار معنایی و تصویرسازی خاص خود را دارد و برگرداندن آن‌ها غالباً بسیار دشوار است. شاید گاهی بشود با شباهت‌های آوایی آن‌ها روش بدیعی آفرید؛ اما همواره این امکان وجود ندارد.

نمونه اول:

• بیت فارسی:

باغ را هم تو پشت و هم رویی  
شاخ را هم تو دایه هم شویی  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۱)

• ترجمه بیت:

أنتَ ظاهرُ الحقائقِ و باطنها و أنتَ مَلقَحُ الأَغصانِ و مُنشِها (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۰).  
اشکال:

کلمه «پشت» به «باطن» ترجمه شده است. همچنین دو کلمه «دایه» و «شو» به ترتیب به «ملقح» و «منشی» ترجمه شده‌اند که موارد یادشده، مصداق غنازدایی کیفی است؛ زیرا مترجم کلماتی در سطح کیفی کلمه‌های فارسی ذکر نکرده و این تغییر در معنی کلمات، از نظر آنتوان برمن، تحریفی در ترجمه و مصداق غنازدایی کیفی است.

پیشنهاد رفع اشکال:

أنتَ ظهرُ الحديقةِ و ظاهرها أيضاً، أنتَ مُرضعُ الأَغصانِ و زوجها أيضاً.

نمونه دوم:

• بیت فارسی:



میوه دارانش سرنگون از تاب همچو سایه درخت بر لب آب  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۸)

• ترجمه بیت:

أشجارها تَبْدُو مقلوبةً من الحرارة، كما لو كانت تری ظلّالها فی الماء (عبدالفتاح،  
۲۰۰۰: ۱۵۴).

اشکال:

«از تاب» به «من الحرارة» ترجمه شده که نادرست است و باید به صورت «من شدة الالتواء» ترجمه شود که بیانگر غنازدایی کیفی است. همچنین مصرع دوم به «كما لو كانت تری ظلّالها فی الماء» ترجمه شده که مصداق غنازدایی کیفی است.

پیشنهاد رفع اشکال:

أشجارها مقلوبةً من شدة الالتواء، كظلّ الشجرة علی حافة الماء.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

سیرت عدل چیست آبادی صورت ظلم چیست بیدادی  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۰)

• ترجمه بیت:

ما صورة العدل سوى الإصلاح و ما صورة الموت إلاً الدمارُ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۵).  
اشکال:

در مصرع اول، کلمه «سیرت» را به جای «باطن»، به «صورة» ترجمه کرده است که مصداق غنازدایی کیفی است. همچنین «آبادانی» را به جای «ال عمران»، به «الإصلاح» ترجمه کرده است که مصداقی دیگر برای غنازدایی کیفی است. کلمه «بیدادی» نیز در زبان عربی دارای معنی «جور» است که به «الدمار» ترجمه شده و مصداقی دیگر برای غنازدایی کیفی است. مورد دیگر برای غنازدایی کیفی، ترجمه «ظلم» به «الموت» است.

پیشنهاد رفع اشکال:

ما باطن العدل؟ العمران، ما صورة الظلم؟ الجور.

نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

حلق او هفت بود و دندان شش  
سر سوی آب و دم سوی آتش  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸:

(۲۷۹)

• ترجمه بیت:

هذا الحوت ذو حلق تسعة و أنياب ستة، رأسه في الماء و ذيله في النار (عبدالفتاح،  
۲۰۰۰: ۱۶۷).

اشکال:

در مصرع اول، کلمه «هفت» به «تسه» ترجمه شده، در صورتی که ترجمه درست آن، «سبعه» است. این خطا بیانگر غنازدایی کیفی است. همچنین در مصرع دوم، «سر سوی» به «فی» ترجمه شده، در صورتی که تعریف درست، عبارت است از مواردی همچون نحو، باتجاه، الی و... که این نیز نشانه غنازدایی کیفی است.

پیشنهاد رفع اشکال:

هذا الحوت ذو حلق سبعة و أنياب ستة، رأسه باتجاه الماء و ذيله باتجاه النار.

## ۲-۵. غنازدایی کمی

در این نوع تحریف، سخن از هدررفتن واژگانی است. برمن معتقد است گاهی برای یک مدلول، چندین دال وجود دارد و انتخاب یک دال، به غنایی زدایی کمی منجر می شود (رک: مهدی پور، ۱۳۸۹: ۴).

نمونه اول:

• بیت فارسی:

گه به نیشان ز گل نگیه کنی  
گه به دی ز آب آبگینه کنی  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۲)

• ترجمه بیت:

تجعل الربيع بهجاً بالأزهارِ الناضرةِ، و تجمدُ الثلجُ من الماءِ الباردِ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۱).

اشکال:

کلمات «گه»، «نيسان»، «نگينه»، «دی» و «آبگينه» ترجمه نشده اند که مصداق غنازدایی کمی است و معادل آن‌ها به ترتیب، «احیاناً»، «نيسان»، «فصّ»، «دی» و «زجاج» است.

پیشنهاد رفع اشکال:

أحياناً في نيسان تُحوّلُ الوردَ إلى الفصّ، و أحياناً في دى تُحوّلُ الماءَ إلى الزجاجِ.  
نمونه دوم:

• بیت فارسی:

ورچه پیموده‌ای به چالاکی شیب و بالای کره خاکی

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۳)

• ترجمه بیت:

و هي تمرُّ على جميع الأماكنِ في الكرةِ الأرضيةِ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۱).

اشکال:

«شیب و بالای» و «چالاکی» و «ورچه» ترجمه نشده است که بر غنازدایی کمی دلالت

دارد.

پیشنهاد رفع اشکال:

رغم أنك قد مررتَ بحفّةٍ بمنحدراتٍ و مُرتفعاتِ الكرةِ الأرضيةِ.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

چون در و حدّ حجره را بشمرد رفت و از بهر مصلحت بسپرد

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۲)

• ترجمه بیت:

و عندما حدود الجسم من أجل المصلحة (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۵).

اشکال:

در مصرع اول، از ترجمه کلمه‌های «در»، به معنی باب، صرف نظر شده که بر غنازدایی کمی دلالت دارد. همچنین از تعریب «حجره» که به صورت «حجره» یا «غرفه» است، چشم پوشی شده که مصداق غنازدایی کمی است و نیز فعل ماضی «بشمرد» که معادلش «أحصی» است، ترجمه نشده که بیانگر غنازدایی کمی است. در مصرع دوم نیز از ترجمه فعل ماضی «رفت» صرف نظر شده که نشان‌دهنده غنازدایی کمی است. معادل مناسب برای این فعل، «ذهب» یا «انطلق» است.

پیشنهاد رفع اشکال:

و عندما أحصى البابَ و الحدودَ و العُرفَ ذَهَبَ من أجلِ المصلحة.

نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

بخور اکنون ز بهر دارو را      کژدم و مار و کوه جادو را

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۸۴)

• ترجمه بیت:

إلتهم لتنجو في الحال العقارب و الثعابين و السحرة (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۶۹).

اشکال:

از ترجمه کلمه «دارو» صرف نظر شده که بیانگر غنازدایی کمی است. «دارو» در زبان عربی به معنی «دواء» است. در مصرع دوم نیز کلمه «کوه» ترجمه نشده است. کوه در زبان عربی به معنی «جبل» است؛ بنابراین، ترجمه نشدن آن، نشانه غنازدایی کمی است. پیشنهاد رفع اشکال:

إلتهم من أجلِ الدواءِ في الحالِ العقاربِ و الثعابينِ و جبلِ السحرةِ.

۲-۶. تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن

این گرایش، نوع جمله‌ها و ساخت‌های استفاده‌شده را در بر می‌گیرد. کاربرد زمان (دستوری) یکی از این سیستم‌بندی‌هاست. استفاده از این یا آن نوع جمله تابع، منطق‌سازی، واضح‌سازی و اطناب، این سیستم را تخریب می‌کند.

نمونه اول:

• بیت فارسی:

چند فرآش کوی‌ها باشی      چند نقاش روی‌ها باشی  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۳)

• ترجمه بیت:

أنت فرآشُ الجبالِ و الطُّرقِ، أنتَ نقاشُ الصورِ (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۱).

اشکال:

اسلوب جمله تعجیبی و پرسشی به اسلوب جمله خبری ترجمه شده و این به معنی تبدیل ساختار جمله به ساختاری دیگر و مصداق تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن است.

پیشنهاد رفع اشکال:

کم تَكونُ فرآشَ الجبالِ؟ و کم تَكونُ نقاشَ الصورِ!

نمونه دوم:

• بیت فارسی:

لگدی بر ائیر و دریا زن      خیمه بر تارکِ ثریا زن  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۴)

• ترجمه بیت:

تَضْرِبُ بالقدمِ البحارَ و الأثیرَ، و تَضْرِبُ خیمتهُ علی الثُّریا (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۴).

اشکال:

استفاده از فعل مضارع به جای امر در ترجمه مصرع اول، مصداق تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن است؛ زیرا مترجم، فعل «زن» را که امر از مصدر «زدن» است، به صورت فعل مضارع «تضرب» آورده است. در ترجمه مصرع دوم نیز ترجمه امر فعل

«زن» به صورت مضارع فعل «تضرب» آمده که بر تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن دلالت دارد.

پیشنهاد رفع اشکال:

إضربِ بالقدمِ البحارَ والأثيرَ، واضربِ خيمتهُ على الثريا.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

حیوان را به رتبت و مقدار دایه و مطبخی و خوان سالار

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۵)

• ترجمه بیت:

ترعى الحيوان بحسب منزلة كل واحد وقدره، و تمنحه الطعام الكافى له (عبدالفتاح،

۲۰۰۰: ۱۵۲).

اشکال:

تبدیل جمله اسمیه در مصرع اول به جمله فعلیه، مصداق تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن است. این تبدیل در مصرع دوم نیز صورت گرفته است که بر تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن دلالت دارد.

پیشنهاد رفع اشکال:

للحيوان حسب رتبته و عدده، هي مُرضع ومُطعمه و راعيه.

نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

مهره بر عرض در همی سفتند وانگه از روی لاف می گفتند

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۹۴)

• ترجمه بیت:

يستبدلون الجهل و السفاهة و الحماقة بالعلم و المعرفة و الحكمة (عبدالفتاح، ۱۳۴۸:

۱۷۴).

اشکال:

در مصرع اول، فعل «همی سفتند» بر زمان ماضی استمراری دلالت دارد؛ اما به صورت فعل «یستبدلون» که مضارع است ترجمه شده که تغییر از زمان ماضی به مضارع است و بر تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن دلالت دارد. در مصرع دوم نیز فعل «می گفتند» بر زمان ماضی استمراری دلالت دارد؛ اما به صورت فعل مضارع «یقولون» ترجمه شده که مصداق دیگری برای تخریب سیستم‌بندی‌های زبانی متن است.

پیشنهاد رفع اشکال:

كانوا يستبدلون الجهلَ و السفاهةَ و الحماقةَ بالعلم و المعرفةِ و الحکمة ثم كانوا يقولون ادعاء.

## ۲-۷. تخریب اصطلاحات و عبارات

از نظر آنتوان برمن، صنایع لفظی، عبارات، ضرب‌المثل‌ها و... که در واقع منتج از زبان قومی هستند، در زبان‌های دیگر نیز عناصر متناظر خود را می‌یابند. در ترجمه سنتی فرانسوی، مترجمان مایل‌اند به دلیل غلبه اندیشه قوم‌مدارانه، در مقابل اصطلاحات، ضرب‌المثل‌ها و عبارات بیگانه، معادل فرانسوی را قرار دهند. در حقیقت، معادل‌سازی، نوعی ضربه به سخن‌دانی اثر است. از سوی دیگر، هر زبانی دارای اصطلاحات خاص خود است و ترجمه آن‌ها چه از نظر لفظی و چه از راه معادل‌یابی، کاری بس دشوار و حتی غیرممکن می‌نماید.

نمونه اول:

● بیت فارسی:

سوی پستی رسیدم از بالا حلقه در گوش ز «اهبطوا منها»

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۴)

● ترجمه بیت:

و أنزلتُ إلى العالم السفلی مُجبراً غیرَ مختارٍ بمقتضی أمرِهِ «اهبطوا منها» (عبدالفتاح،

۲۰۰۰: ۱۵۲).

اشکال:

معادل عبارت «حلقه در گوش» در زبان فارسی، بر اطاعت کامل و محض دلالت دارد که مترجم، این اصطلاح نشست گرفته از فرهنگ و زبان فارسی را به صورت «غیرمختار» ترجمه کرده که تغییری در اصطلاح قومی است و از نظر برمن، نشانه تحریف در ترجمه و مصداق تخریب اصطلاحات و عبارات است.

پیشنهاد رفع اشکال:

نزلتُ من الأعلى إلى الأسفلِ عبداً مُطیعاً أهبطوا منها.

نمونه دوم:

• بیت فارسی:

همه غمناک طبع و خرم دین      همه بسیارخوار و اندک بین

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۲)

• ترجمه بیت:

كلها سيئة الطبع غير مهتمّة بالدين، مقلّدة لانظر لها و لا تدبّر (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۶).

اشکال:

اصطلاح «بسیارخوار» به صورت «مقلّده» ترجمه شده که معادل مناسبی نیست و تخریب اصطلاحات و عبارات است. همچنین در ترجمه اصطلاح «اندک بین»، شاهد تخریب اصطلاحات و عبارات هستیم؛ زیرا این اصطلاح را به صورت «لانظر لها و لاتدبّر» ترجمه کرده است.

پیشنهاد رفع اشکال:

كلّها سيئة الطبع الجميعُ أكالّة و ضيِّقة النظر.

نمونه سوم:

• بیت فارسی:

در سفر سال و ماه چون نسناس      لیک بر جای همچو گاو خراس

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۵۲)

• ترجمه بیت:



فی حركة دائمة على مرور الأيام كالسناس، ولكنها لا تتجاوز أماكنها (عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۶).

اشکال:

در مصرع اول، «در سفر سال و ماه» به «على مرور الأيام» ترجمه شده که مصداق تخریب اصطلاحات و عبارات است. همچنین مصرع دوم به «ولكنها لا تتجاوز أماكنها» ترجمه شده که این نیز مصداق تخریب اصطلاحات و عبارات است.

پیشنهاد رفع اشکال:

فی رحلة السنة و الشهر كالسناس، ولكنها ثابتة فی المكان كبقر خراس.

نمونه چهارم:

• بیت فارسی:

موش چون گربه طفل خوار درو      مار چون خوک ثفل خوار درو  
(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۶۳)

• ترجمه بیت:

و رأیت الفأر الذی یأکل طفله كالقطة، و الثعبان الذی یأكل الروث و القاذورات  
(عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۶۰).

اشکال:

در مصرع اول، اصطلاح «طفل خوار» به صورت جمله «یأكل طفله» ترجمه شده که ترجمه یک اصطلاح به جمله فعلیه است و خروج از ترجمه اصطلاح بوده و بر مصداق تخریب اصطلاحات و عبارات دلالت دارد. در مصرع دوم نیز «ثفل خوار» به صورت «یأكل الروث و القاذورات» بیان شده که تحریف در ترجمه اصطلاح و مصداقی برای تخریب اصطلاحات و عبارات است.

پیشنهاد رفع اشکال:

الفأر مثل القطة آكل الطفل، الثعبان مثل الخنزير آكل الروث.

۲-۸. آراسته سازی یا تفاخرگرایی

برمن این گرایش را «افلاطونی» می‌خواند و آن را نتیجه کار مترجمانی می‌داند که متن مقصد را از لحاظ فرم و شکل، زیباتر از متن اصلی درمی‌آوردند. وی معتقد است این گرایش مربوط به حسّ زیبایی‌شناختی افرادی می‌شود که معتقدند هر گفتمانی باید گفتمانی زیبا باشد. برمن تفاخرگرایی را در نظم، «شاعرانه کردن» و در حوزه نشر، «بلیغ کردن» می‌خواند و آن را شامل «تولید جملات فاخر، با بهره گرفتن از متن اصلی، به‌عنوان مادهٔ اولیه» تعریف می‌کند. در واقع، برمن کار این مترجمان را بر هم زدن سبک و فرم متن اصلی می‌داند که بدون در نظر داشتن چندوچون متن اصلی، صرفاً به‌خاطر خوانا، برجسته و فاخر بودن متن مقصد، آن هم به بهانه انتقال بهتر معنا، به متن اصلی توجهی نکرده‌اند و دست به بازنویسی و تمرین سبکی از متن اصلی می‌زنند.

نمونه:

• بیت فارسی:

زلف شمشاد چند شانه زنی

تیر گل چند بر نشانه زنی

(سنائی غزنوی، ۱۳۴۸: ۲۴۳)

• ترجمه بیت:

تُفتحُ الورودُ كالسَّهامِ على شجرةِ الوردِ، مثل طرّة الحبيبِ على القوامِ السروی  
(عبدالفتاح، ۲۰۰۰: ۱۵۱).

اشکال:

تفاخرگرایی عبارت است از زیبا تر بودن متن مقصد از متن مبدأ به لحاظ فرم و شکل، با تولید جملات فاخر که در این ترجمه، شاهد آن هستیم؛ یعنی مترجم در مقایسه با بیت فارسی، از سطح بالاتری در ترجمه به عربی بهره برده است.

پیشنهاد رفع اشکال:

كَمْ تَرَمَى السَّهَامَ نَحْوَ الْهَدَفِ وَ كَمْ تُمَشِّطُ طُرَّةَ الْحَبِيبِ السَّرْوِي الْقَوَامِ.

۳. نتیجه گیری

علت اصلی انحراف ترجمه عربی اشعار فارسی، ناآشنایی مترجم با زبان فارسی و تمایزات مربوط به ساختار دستوری و همچنین نداشتن تطابق کامل دامنه اطلاق واژه‌ها در دو زبان عربی و فارسی است که طبیعتاً ناشی از اختلاف فرهنگ، تمدن، عادات و رسوم دو قومی است که به این دو زبان سخن می‌گویند.

تمام مؤلفه‌های تحریف متن از نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن در متن ترجمه مشاهده می‌شود؛ ولی از میان همه آن‌ها، تفاخرگرایی کم‌بسامدترین عامل بود. البته چنین نتیجه‌ای پیش‌بینی‌پذیر بود؛ زیرا مترجم در برابر متن فاخر و بسیار ادیبانه شعر فارسی، اساساً فرصتی برای عرض اندام در زبان مقصد نیافته است.

یوسف عبدالفتاح هرچند در ترجمه خویش، صادقانه تلاش کرده هیچ عبارتی را از قلم نیندازد، در عمل، در مواردی بسیار که سئالی غزنوی از آرایه‌های ادبی و به‌خصوص کنایه و استعاره استفاده کرده، در ترجمه موفق نبوده و فقط عبارات را به صورت تحت‌اللفظی و بدون توجه به مفهوم اصلی، به عربی برگردانده است. در کنار معادل‌های ادیبانه و شاعرانه، گاهی با برخی برابرگزینی‌ها در ترجمه اشعار مواجه می‌شویم که گیرایی چندانی ندارند. در این امر، نکته‌ای اساسی تأثیرگذار بوده و آن پابندی به محتوای متن اصلی توسط مترجم و پرهیز از فاصله گرفتن از معانی هسته‌ی واژگان است که در برخی موارد، خواندن ترجمه را بدون نگاه و توجه به متن اصلی، با کمی تردید یا سؤال همراه کرده و زیبایی ترجمه را خدشه‌دار می‌کند. مترجم در فهم معانی گوناگون و چندبُعدی شعر فارسی و انتقال و رعایت لحن در ترجمه آن به عربی، به دلیل اینکه اساساً شاعر توانمندی نبوده، موفقیت چشمگیری کسب نکرده است. تلاش عبدالفتاح در سراسر ترجمه این بوده که راهبرد ترجمه خویش را بر روشی تقلیدی و قیاسی (حفظ قالب اصلی و به کارگیری قالب متقارن فرهنگی) بنا سازد؛ با این حال، در ترجمه بسیاری از ابیات، قادر به رعایت این قاعده و تطبیق آن نیست.

### منابع

- احمدی، محمد رحیم (۱۳۹۲)، آنتوان برمن و نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه؛ معرفی و بررسی قابلیت کاربرد آن در نقد ترجمه، دوفصلنامه نقد زبان و ادبیات خارجی، سال ۶، شماره ۱، صص ۱-۲۱.

ارزیابی کیفی ترجمه عربی سیر العباد الی المعاد سنائی غزنوی بر اساس نظریه... — ۳۴۷

— افضلی، علی و عطیه یوسفی (۱۳۹۵)، نقد و بررسی ترجمه عربی گلستان سعدی بر اساس نظریه آنتوان برمن، دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۶۱-۸۳.

— افضلی، علی و مرضیه داتوبر (۱۳۹۶)، ارزیابی کیفی ترجمه عربی هفت پیکر نظامی بر اساس نظریه آنتوان برمن؛ مطالعه موردی کتاب العرائس السبع اثر عبدالعزیز بقوش، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۷۱-۸۶.

— افضلی، علی و مریم‌السادات منتظری (۱۳۹۴)، نقد و بررسی ترجمه عربی عمر الشبلی از غزلیات حافظ، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی حافظ، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۱۳۷-۱۵۸.

— أمطوش، محمد (۲۰۱۴)، التأویل و الترجمة، عراق: دار نیبور للطباعة و النشر و التوزیع.

— پیم، آنتونی (۱۳۹۳)، نگاهی دوباره به جایگاه اخلاقی مترجم، ترجمه میرمحمد خادم‌نهی، فصلنامه مترجم، سال ۲۳، شماره ۵۵، صص ۶۷-۷۹.

— جاحظ، عمر بن بحر (۱۹۷۹)، الحيوان، ۶ جلد، تحقیق عبدالسلام هارون، بیروت: دارالهلل.

— حسینی، سیدمحمد (۱۳۸۵): نقد و نظر: ترجمه دیوان حافظ به زبان عربی «آغانی شیراز»، پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب، شماره ۳، صص ۵۵-۷۵.

— ددیکویوس، ک. (۱۳۷۱)، ترجمه: میان محدودیت و آزادی، ترجمه عبدالله کوثری، فصلنامه مترجم، سال ۲، شماره ۶، صص ۳۷-۴۲.

— دلشاد، شهرام و همکاران (۱۳۹۴)، نقد و بررسی ترجمه شهیدی از نهج البلاغه بر اساس نظریه گرایش‌های ریخت‌شکنانه آنتوان برمن، دوفصلنامه مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۴، صص ۹۹-۱۲۰.

— زنده‌بودی، مهرا (۱۳۹۰)، از خود و دیگری و گرایش‌های تحریفی در گفتمان ترجمه‌شناختی آنتوان برمن تا ترجمه‌ناپذیری، فصلنامه مطالعات ترجمه، سال ۹، شماره ۳۴، صص ۲۳-۳۷.

— سنائی غزنوی، ابوالمجد مجدود بن آدم (۱۳۴۸)، مثنوی‌های حکیم سنایی به انضمام شرح سیر العباد الی المعاد، تهران: دانشگاه تهران.

— سیدان، الهام و سیدمحمد رضا ابن‌الرسول (۱۳۸۸)، نقد و بررسی عبارات بحث‌انگیز گلستان سعدی در ترجمه عربی آن (روضه‌الورد)، پژوهش‌نامه زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، سال ۳، شماره ۲، صص ۹۱-۱۰۸.

- الشیخ، سمیر (۲۰۱۰)، الثقافة و الترجمة، بیروت: دار الفارابی.
- صفوی، کورش (۱۳۷۱)، هفت گفتار درباره ترجمه، چ ۱۱، تهران: نشر مرکز.
- صلح‌جو، علی (۱۳۹۱)، گفتمان و ترجمه، چ ۶، تهران: نشر مرکز.
- صمیمی، محمدرضا (۱۳۹۱)، بررسی ترجمه داستان تپه‌هایی چون فیل‌های سفید بر اساس سیستم تحریف متن آنتوان برمن، کتاب ماه ادبیات، شماره ۶۵، صص ۴۴-۵۰.
- عبدالفتاح، یوسف (۲۰۰۰)، مثنویات حکیم سنائی، قاهره: مطابع إدارة المطبوعات و النشر.
- کانولی، دیوید (۱۹۹۹)، ترجمه شعر، دایرةالمعارف مطالعات ترجمه راتلج، ترجمه محمدعلی موسوی فریدنی، فصلنامه زنده‌رود، شماره ۲۵، صص ۱۱۳-۱۲۳.
- کریمیان، فرزانه و منصوره اصلانی (۱۳۹۰)، نقش وفاداری به یک نویسنده در ترجمه: بررسی مقابله‌ای ترجمه‌های قاسم رویین از آثار مارگریت دوراس، فصلنامه مطالعات زبان و ترجمه، سال ۴۴، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۳۶.
- مسگرزاد، جلیل (۱۳۷۵)، نظری کوتاه به کتاب روضه الورد ترجمه عربی کتاب گلستان سعدی از استاد محمد فراتی، نشریه آشنا، شماره ۳۳، صص ۷۱-۷۶.
- ملکی، دودمان (۱۳۸۰)، بازنگری چند نظریه در ترجمه شعر، نشریه گلستانه، شماره ۳۰، صص ۲۶-۲۷.
- موسوی، کمال (۱۳۸۱)، نقد و تحلیلی بر کتاب گلستان روضه الورد، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال ۲، شماره ۲۸، صص ۲۹-۴۲.
- مهدی‌پور، فاطمه (۱۳۸۹)، نظری بر روند پیدایش نظریه‌های ترجمه و بررسی سیستم تحریف متن از نظر آنتوان برمن، کتاب ماه ادبیات، شماره ۴۱، صص ۵۷-۶۳.
- نیکخواه نوری، ام‌البین، مصطفی سالاری و بهروز رومیانی (۱۴۰۰)، بررسی توازن واژگانی در غزل‌های سنائی، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۲، شماره ۲۴، صص ۲۰۵-۲۳۴.
- هادی، روح‌الله، میترا گلچین، محمدرضا ترکی و سیما رحمانی‌فرد (۱۳۹۸)، انتقاد اجتماعی و بازی آبرونی در ذهن و زبان سنائی، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، سال ۱۰، شماره ۱۹، صص ۳۴۷-۳۷۸.
- هازو، ساموئل (۱۳۹۴)، وفاداری تا حد نامرئی شدن، ترجمه فریده حسن‌زاده مصطفوی، فصلنامه مترجم، سال ۲۴، شماره ۵۶، صص ۹۹-۱۰۹.
- هولمز، جیمز و همکاران (۱۳۹۰)، بازاندیشی ترجمه، ترجمه مزدک و کاوه بلوری، تهران: نشر قطره.